



مطبوعات شهرستانها -

# مطبوعات محلی،

## خلاقیت یا تقلید

حمید مقدم‌فر

تعریفی که از یک نشریه شهرستانی (محلی) می‌توان ارائه داد؛ «یک واحد یا سازمان مستقل مطبوعاتی است که بیشتر وظیفه پرداختن به اخبار سواستها و نیازهای بومی و منطقه‌ای خود را دارد.» البته این تعریف در برگیرنده تمامی نشریه‌های محلی نمی‌شود. گاه با فراهم آمدن مجموعه‌ای از شرایط، مقبولیت و معروفیتی فراتر از مرز جغرافیایی برای یک نشریه محلی ایجاد می‌شود.

مؤسسه‌های مطبوعات محلی (شهرستانی) در ایران وجود تلاشهای گسترده مدیران آنها ابزارهای توانی در خیرسانی و برخورد با نیازها و مسایل مردم نوز جغرافیایی خود هستند.

اکثر این نشریه‌ها به خاطر محتوا و ویژگیهای ماهری از کیفیت بسیار پایینی نسبت به و زمانه‌های عمومی برخوردار هستند. قسمهای کوچک، بی‌نظمی در ترتیب انتشار حروفچینی ایی، چاپ نامطلوب، صفحه‌بندی غیرتخصصی، ارائه اخبار کهنه شده بولتنی اداره‌ها، مقاله‌های بی‌ضرر پیرامون آثار تاریخی جغرافیای محلی یا اخیره پرکردن نزدیک به سرجه‌ها و صفحه‌ها از گهیبهای دولتی، تبیی و حصر وراثت از ویژگیهای کلکی مطبوعات محلی ایران با جزئی اختلاف و چند استناست. موارد فوق به اضافه عملکرد ضعیف در برابر مسایل و مشکلات اجتماعی منطقه، موجب

شده که نشریه‌های محلی ما نتوانند جایگاه مفید و مشخصی در جوامع شهرستانی داشته باشند و با مخاطبان خود ارتباطی اصولی و نزدیک برقرار سازند.

با این همه، مدیران و نویسندگان مطبوعات شهرستانها در کار خود، بی دلیل عقب نیستند. آنها با مشکلات بسیاری دست به گریبان هستند که در بسیاری از جهات از مشکلات مطبوعات تهران بغرنجتر است.

به طور کلی بیشترین مشکلات مطبوعات محلی ایران را در چهار سرفصل جداگانه می‌توان عنوان کرد.

مسایل مالی: جز مطبوعات محلی وابسته به نهادها و مراکز دولتی و مذهبی در شهرستانها بقیه پشوانه مالی کافی برای اداره امور نشریه خود ندارند. تنها منبع درآمد اکثر آنها چاپ آگهیهای دولتی، تبیی و دادگستری است. نرخ این آگهیها هم ثابت و نسبت به مطبوعات عمومی بسیار پایتتر است. در نتیجه جرایده شهرستانها برای تداوم حیات انتشار خود، به ناچار صفحه‌های محدود خود را از آگهیهای تجارنی پر می‌کنند. در نهایت، مطبوعات شهرستانها به جای روزنامه به هیئت آگهی نامه درآمده‌اند. توزیع آگهیهای محلی بین نشریه‌های تهران به جای نشریه‌های شهرستانها نیز، در عمل، باعث ضعف توان مالی این نشریه‌ها می‌شود.

بگذریم که دریافت بهای آگهیهای چاپ شده به علت کمبود اعتبارات و بیج و خمهای اداری با تاخیر زیاد و گاهی وقتها چند ساله صورت می‌گیرد. گفتنی است که این مشکل به قدری با سرنوشته مضبوطات شهرستانها گره خورده که افزایش هزینه‌های مواد اولیه و چاپ و فشار مالی موجب بروز اختلال در نظم انتشار اکثر مطبوعات محلی شده است. این امر به طوری است که هفته‌نامه «ندای یزد» در سومین سال انتشار پس از کاهش تعداد صفحه‌ها، از به؛ صفحه‌زبان به گفتن مشکلات گشود و نوشت: «تاکنون هم که توانسته ایم هفته‌نامه را به هر صورتی منتشر نماییم، با فروش ملک و آب مروثی بوده است و تا چه هنگام بتوانیم به این راه ادامه دهیم، خداداند و بس.»

### مسایل فنی و کمبود مواد اولیه

به استثنای دوره روزنامه محلی تقریباً بیشتر نشریه‌های محلی نه تنها چاپخانه اختصاصی ندارند، بلکه از نعمت وجود چاپخانه نیمه مجهز در شهرستانها نیز بی‌نهیند. بعضی از این نشریه‌ها حتی از داشتن مسایل و امکانات اولیه اداری از قبیل تلفن، تایپ معمولی، و محلی مناسب نیز محرومند. نشریه «محراب» در پایان اولین سال انتشار پس از پرسش سردن مشکلات خود در این زمینه می‌نویسد: «وجود یک دستگاه ماشین تحریر جزء لوازم لاینفک هر نشریه است که محراب فاقد آن است.»

موسسه‌های مطبوعاتی محلی در ایران، با چنین قدر امکاناتی به طور طبیعی امکانات مخابراتی چون تلکس و تله فتو... نیز ندارند. در نتیجه، اخبار آنها معمولاً کهنه و بولتنی است. بیشتر این نشریه‌ها درگیر مشکل تأمین مواد اولیه از قبیل کاغذ و رنگ و پیدا کردن چاپخانه‌ای هستند که با هزینه کمتری نشریه آنها را چاپ کند. آنها در صورت عدم دسترسی به چاپ افست، چون خود فاقد دستگاههای حروفچینی هستند، قادر به پرداخت هزینه‌های سنگین حروفچینی نیستند.

ناتوانی مالی در بهره‌گیری از نیروهای متخصص و اصولاً در دسترس بودن این نیروها، گردانندگان این نشریه‌ها را مجبور می‌سازد که خود، اقدام به صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی کنند. در نتیجه اغلب نشریه‌های محلی دارای ظاهر بی‌یکنواخت و خارج از استانداردهای تخصصی این هنر هستند. دوری از تهران و عدم دسترسی به موقع به مراکز تهیه و توزیع و تمرکز امکانات در تهران، مانع دیگری در رشد این مطبوعات است. «حدیث

شان» در این خصوص می نویسد: «نشریه های استانها به دلیل دوری از مرکز وعده امکان معسر به مبع و مرکز تیب و توزیع دچار کلات حدتری بوده وهستند.»

«فروغ آزادی» چنین گله می کند: «به خود اندیش و به مضبوطات مرکز، زیرا ماناخریم نماز فروش. آنها هم روزنامه منتشر می کنند هم به اصطلاح قصد داریم در این شهر ادای نامه نگاری را دریاوریم.»

**بود نیروهای متخصص**

انگیزه و تلاش اکثر مدیران و دست اندرکاران عات شهرت آنها و هیت خبری یا تحریری و فنی نشریه ها در صورت وجود چنین هیت هایی از ذوق، عشق و علاقه به کار حرفه نامه نگاری است. عدم سودهی باعث می شود این کار به صورت شغل دوم ناشر برگزیده شود. ت اینکه، گردانندگان این نشریه ها از تخصص در رشته روزنامه نگاری بی بهره اند. این یک اساسی در دور افتادن محتوا و ظاهر نشریه های کی کشور از استانداردهای تخصصی و بالاخره و اخت شدن ظاهر و حتی گاه محتوای باشد. حی صفحه بندی صفحه ها امری ذوقی است سبهای لازم به لحاظ شکل و معنا بین تیر و متن ود ندارد. استفاده از عکس و طرح، ناقص و غیر عصبی است و رنگ، به ندرت به کار گرفته شود. خبرهای بی اسم و رسم و انتخاب اخبار بی بنا به ضرورتها و فشارهای بیرونی و زمانی از ناآگاهی تخصصی است. سبک نگارش، بی وانشاگونه است. چاپ نیز کیفیتی نامطلوب اینها مجموعه ای از کمبودهای آشکار در وعات شهرستانهاست. اما همه این کمبودها سی از این است که مدیران مضبوطات محلی شان استخدام نیروی متخصص و ماهر نامه نگاران عکاس و طراح را ندارند و در اساس، در رستانها چنین نیروهایی را نمی توان یافت. اگر دسترسی به چنین افرادی ممکن باشد، توان برف مالی روزنامه محلی امکان پرداخت حقوق متمرد کافی را نمی دهد. در نتیجه بیشتر کاران روزنامه های محلی به صور افتخاری و فقط وی عشق و علاقه کار می کنند.

**توردهای غیر اصولی**

کوچکی محیط شهرستانها و عدم اطلاع بیشتر شولان محلی از قانون مضبوطات و شیوه برخورد طلبه ای انتقادی، باعث می شود که اکثر مسئولان ایی قدرت تحمل انتقاد را نداشته باشند و در

نتیجه به جای فرستادن پاسخ قانونی برای چاپ به روزنامه، یا قبول انتقاد سازنده، بعضیها از راه تمهید و یا از طریق مراجع انتظامی و قضایی و البته بیشتر از طریق اعلام شکایت واهی یا اعمال زور و به هر طریق ممکن، سعی می کنند که مدیر و نویسندگان نشریه محلی یا خبرنگاران آنها را تحت فشار قرار داده و منفعل کنند. در چنین مواردی مقام و موفقیت شغلی مدیر نشریه تأثیر به سزایی در خنثی شدن عکس العمل مسئولان دارد. چنانچه مدیر نشریه محلی مقام سیاسی یا اداری قوی و قدرتمندی داشته باشد به طور طبیعی نشریه وی نیز از قدرت نسبی برخوردار خواهد بود و با هر مطلب جزئی مورد بازخواست قرار نخواهد گرفت.

**مشکل دیگر مضبوطات محلی، وجود هسته های**

**\* مسئولان اجرایی قدرت تحمل انتقاد نداشته از طریق اعلام شکایت واهی سعی می کنند که نشریه محلی را تحت فشار قرار دهند.**

متعدد قدرت یا جریانهای متفاوت حاکم در بعضی از شهرهاست. در چنین شهرتانی، مدیر نشریه براحتمی می تواند مورد بازخواست جریان یا قدرت مخالف قرار گیرد. اصولاً چنین جریانها و قدرتهایی برای نوشتن مطالب در مضبوطات وظایف خاصی را قائل می شوند که بانایزها و خواسته های آنها هماهنگ باشد. مدیر نشریه نمی داند به حرف کدام جریان یا کدام صاحب قدرت گوش دهد و به علت عدم استقلال و امنیت حقوقی و شغلی ترجیح می دهد صفحه های روزنامه خود را از مضبوطهای بی ضرر و آگهیهای دولتی پر کند.

مجموعه این شرایط، مضبوطات شهرستانها را به تعدادی نشریه های دوره ای خنثی تبدیل می کند که در خرید توان و نیروی کافی فرهنگی، علمی، تخصصی، اقتصادی ندارند تا بتوانند با طرح واقع بینانه و اصولی مسایل، موضوعی حوزه های محدود جغرافیایی خود را مطرح کنند. مضبوطات محلی در مورد طرح اغلب مسایل و مطالب دچار ترس هستند و از بازتاب نظرات مردم خودداری می کنند. در نتیجه به طور گسترده و عمیقی وارد زندگی مردم

و جامعه نمی شوند. برای این مشکلات باید چاره اندیشی کرد و به قول آقای مهدی فرقانی استاد روزنامه نگاری دانشگاه علامه طباطبائی: «به اعتقاد من لازم است که مسئولان و دست اندرکاران به ایجاد و تقویت مضبوطات محلی اهمیت خاص بدهند و آن را به عنوان یکی از اولویتهای کار خود در نظر بگیرند. حمایت های مالی، فنی و تکنیکی از تأمین کاغذ گرفته تا امکانات فنی نظیر دستگاههای مخابراتی، حروفچینی و چاپ و نیز تقویت شبکه توزیع از جمله این اقدامات است. از سوی دیگر، مضبوطات محلی باید به استفاده از نیروهای ماهر و متخصص در عرصه روزنامه نگاری توجه خاص مبذول دارند و کادر مورد نیاز خود را از میان این نیروها برگزینند...»



در راستای این حمایتها، اقدامات دیگری از قبیل: صدور پروانه تأسیس چاپخانه برای مدیران مضبوطات محلی، تأمین ماشین آلات و دستگاههای چاپی متناسب، پرداخت وام کم بهره و دراز مدت، برابری نرخ آگهیهای دولتی، ثبوتی و دادگستری در روزنامه های تهران و نشریه های محلی و رفع تبعیض موجود نیز برای رشد و اعتلای کمی و کیفی مضبوطات شهرستانها لازم و ضروری است.

**نقد نشریات محلی از نگاه آمار**

حالا وضع مضبوطات محلی، دستخوش شرایط موجود اقتصادی، فنی و فرهنگی در شهرستانها است. این نشریه ها وضعیت متزلزل دارند و حیات آنها وابسته به کمکیهای مستقیم یا غیر مستقیم دولت است. این نشریه ها (جز آنهایی که وابسته به سازمانها یا نهادهای دولتی هستند) با متوسط تیراژ ۱۵۰۰ نسخه، معمولاً فاقد الگوری مشخص روزنامه نگاری محلی و تخصصی هستند. کمی برداری خبری از نشریه های بزرگ سراسری و دیگر رسانه های گروهی، در آنها رایج است. در اخبار محلی، موضعگیریها همه به نفع دولت

مقاله‌های بی‌ضرر دوری از نقد و انتقاد، پرداختن به اخبار، نقدها و مسایل حاشی و سرگرم‌کننده (در گروهی از نشریه‌های شهرستانها) سرگرمی‌های کنشی محتوای مصوغات شهرستانهای (محلی) ایران را تشکیل می‌دهد.

مطابق آمار به دست آمده، بیش از ۵۰ نشریه در کل کشور (جز تهران) منتشر می‌شوند. یعنی در ایطی که برای هر ۲۵ هزار نفر تهرانی یک عنوان نشریه و برای هر یک میلیون شهرستانی، یک نشریه محلی وجود دارد. حال وضع این نشریه‌ها به طور کلی، تابع شرایط اقتصادی و مالی (عمدتاً) و آن‌گاه سیاسی و فرهنگی کشور است. مثلاً با بروز بحران غذا، فاصله انتشار نشریه‌های بعضی از شهرستانها همی از یک هفته به ۶ ماه هم کشیده شده است. حالیکه بر اساس مجوز صادر شده برای این نشریه‌ها، ۴۵ درصد نشریه‌های محلی ایرانی باید به صورت هفتگی ۱۹ درصد به صورت فصلنامه، ۱۲ درصد روزانه و ۱۲ درصد ماهانه منتشر شوند. اما شرایط کنونی، فاصله انتشار بیش از هفتاد و پنج درصد نشریه‌های محلی با آنچه در مجوز آنها ذکر شده، تطبیق ندارد. مسایلی مانند نظم و ترتیب شان، تعداد صفحه‌ها و قطع ثابت را در نشریه‌های محلی دو عامل تعیین می‌کند. این عوامل عبارتند از اولاً وابستگی به یک سازمان یا ارگان دولتی (که همیشه هم تعیین کننده نیست)، و دوم ستردگی تشکیلات و امکانات سازمانی نشریه.

در عمل چون بیش از ۷۵ درصد نشریه‌های محلی را سرمایه‌های کوچک شخصی می‌گردانند، بطور طبیعی بقای نشریه‌های محلی به شدت به توان آگهیهای دولتی در یافتن آنها متکی است. امر چنان است که به طور متوسط، نیم حجم نشریه‌های یک شماره نشریه محلی (حد اکثر دو سوم و حداقل یک سوم) مخصوص آگهیهای دولتی است. اما گاه این عامل هم ناتوان از بر خورد با نیازهای اقتصادی حاکم بر نشریه‌های محلی است.

که در نهایت به تعطیل نشریه یا انتشار آن با فاصله زمانی طولانی منجر می‌شود.

تعدادی از (۲۵ درصد) نشریه‌های محلی که توسط سازمانهای فرهنگی، وزارتخانه‌ها یا نهادهای دولتی و دانشگاهی منتشر می‌شوند، قادر به مقابله با بحران موجود نبوده و سرنوشته مشابه دارند.

پراکنندگی جغرافیایی نشریه‌های محلی تا حدود زیادی تابع امکانات فنی و مالی موجود در منطقه انتشار آنهاست. در نتیجه، ۲۰ درصد از نشریه‌های محلی کشور در استان مرکزی مستقر هستند و این را می‌توان به خاطر نزدیکی آنها به تهران دانست که باعث می‌شود با سهولت بیشتری بتوانند از امکانات فنی و دولتی بهره‌گیرند. به لحاظ پراکنندگی جغرافیایی، استانهای شمال شرقی و مرکزی ایران دارای عناوین بیشتری نسبت به مناطق دیگر هستند. ۱۹ درصد از نشریه‌های کل کشور در استان خراسان، ۱۷ درصد در استان اصفهان متمرکزند و باقی استانهای کشور هر کدام کمتر از ۵ درصد از نشریه‌های کشور را منتشر می‌سازند. جدای از امکانات فنی و مالی، پیشینه‌های غنی تاریخی، میزان ثروتمندی استان، و همچنین نزدیکی به مناطق مرزی را می‌توان در تعداد نشریه‌های استانها مؤثر دانست.

نشریه‌های شهرستانی به طور طبیعی، بیشترین حجم اخبار صفحه‌های خود را اختصاص به اخبار محلی می‌دهند. اخبار محلی عمدتاً توسط امکانات شخصی محلی تأمین می‌شوند. گاه کمی برداری خبری در این گونه اخبار از نشریه‌های سرتاسری و بزرگ و دیگر رسانه‌ها هم دیده می‌شود. ولی تقریباً صد درصد اخبار کشور به صورت کپی برداری خبری، با فاصله‌های زمانی مختلف گاهی به بیشتر از ۷۲ ساعت (از منبع مادر) در این نشریه‌ها دیده می‌شود. این نشریه‌ها از اخبار خارجی بندرت بهره‌می‌گیرند. به طور کلی هر چه حجم آگهیهای دولتی کمتر و مقاله‌ها بیشتر باشد، حضور این گونه

اخبار در نشریه‌های محلی ملموستر است.

بالا ترین درصد متوسط محتوای نشریه‌های شهرستانی را آگهیها تشکیل می‌دهند (۴۸ درصد) که بین امر نشاندن دهنده و وابستگی حیات این نشریه‌ها به آگهیهای مزبور دارد. اخبار نشریه‌های (محلی یا کشوری) از اخبار حاشی تشکیل می‌شوند، و بندرت انتقادی (اگر انتقادی باشد بیشتر از زبان مسئولین است) در لابلای اخبار می‌توان دید. در نتیجه گردانندگان این نشریه‌ها، اخباری را برمی‌گزینند که مسئله و اصطکاک را برزبانگیزد. (از قبیل اخبار ورزشی، آموزشی، تاریخی، فرهنگی). نگاهی به اخبار این نشریه‌ها از زاویه دیگر، نشان می‌دهد که این نشریه‌ها بیشتر به تریونهای تبلیغ، آن هم به نفع مسئولان محلی، کشوری و ارگانهای روابط عمومی آنها تبدیل شده‌اند. این حرمی است که به لحاظ پرداختن خبری به مسئولان حفظ کرده و هرگز از آن حرم خارج نمی‌شوند. در نتیجه نشریه‌های محلی را به طور کلی می‌توان نشریه‌های سیاسی انگاشت. این امر تا حدی است که به طور متوسط ۴۵ درصد مطالبهای یک شماره (خبر یا مقاله) را مطالبهای سیاسی و محلی و کشوری تشکیل می‌دهند. به همین ترتیب، ۲۸ درصد مسایل فرهنگی (به ویژه آموزشی و تاریخی)، ۱۱ درصد به مطالب هنری و ادبی، ۱۰ درصد به مطالب اخبار ورزشی، ۹ درصد به مباحث و اخبار اقتصادی پرداخته‌اند.

به لحاظ گروههای سنی نیز کمبودهای اساسی در نشریه‌های محلی دیده می‌شوند. چنان که برای کودکان و نوجوانان تنها یک صد و برای زنان تقریباً هیچ نشریه‌ای منتشر نمی‌شود.

جدول ضمیمه، ویژگی محتوایی چند نشریه برگزیده شهرستانی که با سرمایه‌های کوچک اداره می‌شوند را نشان می‌دهد.

نام نشریه	محل انتشار	تعداد صفحات	اخبار			آگهیها	مقاله‌ها	تفکیک موضوعی مطالب						
			محل	کشور	خارج			فرهنگی	هنری و ادبی	سیاسی	اقتصادی	ورزشی	اجتماعی	علمی
بهجت‌شاه	ساری	۴	۱۳	۲	—	۸۱	۴	۳۰	—	۳۰	۱۰	—	—	—
صبح ساحل	هرمزگان	۶	۳۱	۲۰	۱/۵	۱۵	۳۳/۵	۳۰	—	۳۵	۲۲	—	—	—
گیلان	گیلان	۸	۲۰	۱۶	۳	۲۶	۳۰	۳۰	۳۰	۱۰	—	—	—	—
گلن کوه‌رنگ	اصفهان	۴	۱۶/۵	۵	۲/۵	۷۶	—	۳۲	—	۴۸	۲۰	—	—	—
پام زنجان	زنجان	۴	۴۲	—	—	۳۱	۲۱	۲۰	۲۵	۲۵	—	—	—	۶
اوحدی	مرآغه	۴	۸	۳	—	۶۴	۲۵	۳۰	۱۳	۲۵	—	—	۳۲	—
درصد متوسط		۵	۲۱	۸	۱/۱	۴۸	۱۸	۲۸	۱۱	۴۵	۱۰	۱/۵	۵/۳	۲